

## **" سکولاریسم و اسلام در دولت‌های معاصر: چگونه آن دو با یکدیگر مرتبط می‌شوند؟ "**

این کتاب حاوی مقالات و مطالب ارائه شده در یک سمینار بین‌المللی تحت عنوان « سکولاریسم و اسلام در دولت‌های معاصر: چگونه آن دو با یکدیگر مرتبط می‌شوند؟ » می‌باشد که در سال ۲۰۰۷ در شهر آلماتی برگزار گردید. این سمینار توسط موسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان که تحت نظارت ریاست جمهوری آن کشور می‌باشد با مشارکت مرکز مطالعات سازمان امنیت و همکاری اروپا و بنیاد فردریخ ابرت آلمان برگزار گردید. در این سمینار دانشمندان، کارشناسان و شخصیت‌های دینی از قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، آلمان و روسیه به ارائه مقاله و سخنرانی پرداختند. مجموعه مقالات این کتاب حاوی سخنرانی‌های دانشمندان است که حجم وسیعی از سؤالات مرتبط با روابط متقابل کشورهای غیردینی با دین اسلام، فعالیت موسسات اسلامی و مذهبی در جوامع کنونی و نقش و اهمیت اسلام در روابط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود. اعضای هیات تحریریه این کتاب سلطان‌اف، زایفرت (مدیر مسئول)، کوشکومبایف، ابیشیوا، اوالبایف، سیدین، ستنکو (مسئول چاپ) می‌باشند. کتاب مذکور شامل مقدمه و بخش مجموعه مقالات می‌باشد. در مقدمه سخنانی کوتاه از آقای سلطان‌اف مدیر موسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان و دکتر ولفگانگ تسل‌نرا رئیس مرکز مطالعات سازمان امنیت و همکاری اروپا آمده است.

مطلب بعدی از سوی النا کروپاچیوا پیرامون مقالات ارائه شده، آمده است. وی اظهار می‌دارد که روابط اسلامی - غیر دینی در آسیای مرکزی همچون سایر جهان موضوعی کاملاً روزمره می‌باشد که پیوند دهنده برخی مسایل جامع مرتبط با تاریخ، اسلام، فرهنگ، آموزش، اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مورد بحث و همچنین روند

تغییر در فضای شوروی سابق از جمله تشکیل دولت‌های ملی، شناسایی هویت و تقویت ملی آن کشورها می‌باشد و این موارد بر روابط اسلامی- غیردینی، میزان و سطح توسعه دموکراسی در جامعه شهروندی و همچنین عامل تمدنی تاثیر دارند. در هر یک از کشورهای آسیای مرکزی ویژگی‌های خاصی از روابط متقابل میان حکومت غیر دینی و اسلام وجود دارد، البته ویژگی‌های مشترک مشخصی نیز میان آنها وجود دارد. در این مورد سؤال‌هایی بدین شرح مطرح می‌باشد: چگونه مدل روابط میان سکولاریسم و اسلام شکل می‌گیرد؟ آیا آنها می‌توانند از تجربیات مثبت یکدیگر پیروی و تقلید نمایند؟ اگر جواب این سوال بله است، در آن صورت روند جهانی و نیز مدل کنونی روابط اسلامی- غیر دینی با توجه به تقسیم‌بندی جدید کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز چه نقشی را ایفا می‌نمایند؟ و مهمترین مسئله اینکه چگونه می‌توان پی برد این روابط، هماهنگ و ثمربخش بوده و در جهت رفاه کشورهای آسیای مرکزی و جوامع آن بکار برده می‌شود؟

مطالب بعد از سوی آرن زایفرت در خصوص سکولاریسم و اسلام در دولت‌های معاصر و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شده است. وی می‌گوید: سازمان امنیت و همکاری اروپا ضمن توجه به موضوع یاد شده به این حقیقت توجه دارد که طی آخرین دهه گذشته یعنی از زمانی که کشورهای آسیای مرکزی استقلال خود را یافته‌اند، منطقه آسیای مرکزی مجدداً به پل ارتباطی میان آسیای شرقی و جنوبی، روسیه و اروپا تبدیل شده است. کشورهای آسیای مرکزی به عنوان اعضای متساوی الحقوق سازمان امنیت و همکاری اروپا نقش حلقه ارتباطی ارزنده و ارزشمندی را میان اروپا و آسیا ایفا می‌نمایند. نقشی که اهمیت زیادی در زمینه حفظ ثبات سیاسی در منطقه اوراسیا و جهان دارد. این نقش به تدریج اهمیت فراوانی می‌یابد، زیرا آسیای مرکزی در روابط تمدنی، فرهنگی و مذهبی نقطه تلاقی دو قاره می‌باشد.

اینجا دو نظام مختلف ارزشی و دینی یعنی سکولاریسم و اسلام با یکدیگر روبرو می‌شوند. هوشیاری و آمادگی سیاسی طرفداران هر دو اندیشه که با یکدیگر همزیستی و همکاری دارند، تعیین کننده آینده روابط مشارکتی در کل قاره اوراسیا می‌باشد. سیاست بین‌المللی که در سال‌های اخیر به اجرا درآمده است، به طور واضح نشان می‌دهد تا چه اندازه در جامعه بین‌الملل احترام متقابل به اختلافات میان خط‌مشی‌های ارزشی، فرهنگ‌ها

و مذاهب مهم بوده و با منافع آنها مرتبط می‌باشد. لذا در این خصوص روابط متقابل میان سکولاریسم و اسلام اهمیت فراوانی دارد.

پس از مقدمه، مقالات در دو بخش تنظیم شده‌اند. بخش اول تحت عنوان « روابط متقابل میان سکولاریسم و اسلام: گرایش‌ها در جهان » می‌باشد.

اولین مقاله این بخش از سوی رولند پیتش با موضوع « دولت سکولار معاصر در شرایط جامعه اسلامی » ارائه شده است. این مقاله سه موضوع جامعه اسلامی، دولت سکولار معاصر و فرصت‌ها برای گفتگو میان دولت سکولار معاصر و جامعه اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. وی در این مقاله بررسی می‌کند: ۱- وضعیت جامعه اسلامی در مجموع چگونه است. ۲- حقوق اسلامی چگونه نقش اسلام را در سیاست مشخص می‌کند؟ ۳- چگونه این شناخت در طی قرن‌ها تحول و تغییر می‌یابد؟ در کنار این موارد، رولند پیتش مسایل مربوط به وضعیت جامعه سکولار، معنی و مفهوم « سکولاریسم » و اینکه چگونه جدایی دین از حکومت در اروپا شکل می‌گیرد را مورد بررسی قرار می‌دهد. او همچنین نمونه‌هایی از تاریخ برخی کشورهای اسلامی ذکر کرده است. بر اساس نظرات پیشین هماهنگی میان رابطه اسلامی - غیر دینی به آمادگی و ظرفیت سکولاریسم معاصر و نیز به آمادگی و ظرفیت اسلام سیاسی که جویای مصالحه می‌باشد و آن را در زندگی تحقق می‌بخشد، بستگی دارد. اسلام می‌تواند موجب اشکال بسیاری از روابط متقابل دین و دولت شود. دولت معاصر سکولاری که از هرگونه فعالیت خصمانه علیه دین و نمایندگان آن خودداری می‌نماید، می‌تواند کاملاً به مسالمت با جامعه اسلامی برسد.

دومین مقاله ارائه شده در این بخش توسط ویتالی ناومکین می‌باشد. عنوان مقاله وی « مدل‌ها و راه‌طریق‌ها: جاسازی سازمان‌های سیاسی - اسلامی در دولت‌های معاصر » می‌باشد. وی به کشورهای هم‌چون: ایران، ترکیه، تاجیکستان، عربستان سعودی، سودان، عمان، افغانستان، عراق، فلسطین، مصر، سوریه، اردن، الجزیره، مراکش و پاکستان اشاره می‌نماید. مطالبی در مورد ایران بدین شرح آمده است: قطعاً یکی از مدل‌های موجود ایران می‌باشد و ایران تنها کشوری است که در قدرت آن روحانیت قرار دارد و بر اساس نظریه شیعه این ویژگی در سیستم حکومت، ولایت فقیه نامیده می‌شود. این درهم‌آمیختگی عجیب و غریب با دموکراسی و سیستم چند حزبی، مشابه‌ای در دنیای اسلام ندارد. وی برخی مدل‌هایی از روابط متقابل اسلام سیاسی با قدرت در حکومت‌های اسلامی را بیان می‌کند.

علیرغم گوناگونی و انواع مدل‌های مورد بررسی، او به این نتیجه می‌رسد که اسلام سیاسی ضمن اینکه به عنوان یکی از مهمترین موتورهای اصلاحات جامعه اسلامی پیش می‌رود، انعطاف زیادی از ظرفیت‌های مدرنیزه و آمادگی تاکتیکی یا مصالحه استراتژیکی از خود نشان می‌دهد.

سومین مقاله از سوی شوخرت یوفکاجف تحت عنوان «مدل‌های معاصر توسعه کشورهای مسلمان» ارائه شده است. وی معتقد است روند سیاسی و جاری در دنیای اسلام طی آخرین ربع قرن بیستم، توجه دقیقی به ظرفیت‌های اجتماعی-سیاسی اسلام مبذول داشته است. علیرغم موازین شناخته شده توسعه سیاسی با ادبیات غیر دینی و انتظارات تحلیل‌گران، دین موقعیت خود را از دست نداده و برعکس دین در سیاست‌های ایران، پاکستان، مصر، افغانستان، عربستان سعودی، سوریه و بسیاری دیگر از کشورها احیا شده است. همانطور که محققین غربی اشاره می‌نمایند: «ایدئولوژیکی اسلامی، سمبل‌ها، شعائر به طور محکم جای پای خود را در کشورهای اسلامی باز کرده‌اند.» وی به نمونه‌هایی از اندیشه‌های اسلامی در جهان و دولت‌های اسلامی اشاره می‌نماید. او ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران از جمله رهبر، رئیس‌جمهور، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را بیان می‌نماید و به اقتصاد ایران و ایجاد اصلاحات در اقتصاد ایران و نیز اندیشه گفتگوی تمدن‌ها که از سوی رئیس‌جمهور سابق ایران آقای خاتمی ارائه شد می‌پردازد. وی ضمن ارائه برخی مطالب در خصوص تاثیر عامل اسلام در آسیای مرکزی، مدل‌های کنونی توسعه کشورهای معاصر را بیان کرده است. آخرین مقاله در بخش اول به سهراب شریپف اختصاص دارد. عنوان این مقاله عبارت است از: «چشم‌اندازهای توسعه و مسایل دنیای اسلام». در این جا وی به مدل‌ها و برخی از کشورها همچون ترکیه، مصر و الجزیره اشاره نموده و سه مدل توسعه در منطقه آسیای مرکزی از جمله قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان را شرح داده است. او ضمن توجه به تجربه جهانی دولت‌های اسلامی، اظهار می‌دارد، در بسیاری از موارد دولت‌های غربی هنوز نمی‌دانند چگونه با حکومت‌های اسلامی و همچنین با موقعیتهایی که مسلمانان به قدرت می‌رسند، رفتار نمایند. وی موضوع حسن تفاهم و همزیستی میان اسلام با دیگر تمدنهای جهان از یک سو و با خود جهان اسلام از سوی دیگر را خاطر نشان می‌سازد.

بخش دوم مقالات تحت عنوان «ویژگی منطقه‌ای روابط متقابل اسلامی - غیر دینی» می‌باشد.

اولین مقاله در این بخش، مقاله ایرینا ازویگامسکایا تحت عنوان «مدل سکولار و مسئله شناخت هویت در زمینه ایجاد دولت ملی در آسیای مرکزی» می‌باشد. مقاله وی در ۵ قسمت بدین شرح تنظیم گردیده است: حکومت و اسلام در آسیای مرکزی؛ طرح مسئله؛ جستجوی هویت ملی؛ اخلاق و اسلام؛ مخالفت اسلام؛ تثبیت موقعیت در صحنه بین‌الملل و نتیجه‌گیری.

وی ضمن اینکه توجه خاصی به روند ساختار ملی مبذول می‌دارد، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را در مجموع مورد بررسی قرار می‌دهد. زیرا اهمیت اسلام در این منطقه پس از دستیابی به استقلال به عنوان مهمترین عامل شناسایی هویت ملی و نیز ابزاری برای سیاست خارجی فوق‌العاده افزایش یافته است. وی همچنین به اهمیت حل اختلافات میان کشورهای آسیای مرکزی در زمینه نیاز به دموکراسی و ضرورت جلوگیری از تعرض اسلام سیاسی رادیکال اشاره دارد. وی مسئله روابط متقابل میان دولت‌ها و اسلام در روند ایجاد دولت‌های ملی در جمهوری‌های آسیای مرکزی که تازه به استقلال دست یافته‌اند را بسیار حساس می‌داند و معتقد است: این سطح از حساسیت موجب ناهمگونی منطقه‌ای شده است. به همان اندازه که ساختارهای قدرت از اسلام در جهت مشروعیت استفاده کرده‌اند، رهبران مخالف نیز بر شناسایی هویت اسلامی برای مشروعیت دادن به مبارزات خود و بسیج حمایت مردمی تاکید داشته‌اند.

دومین مقاله در این بخش با موضوع «سکولاریسم و اسلام در جمهوری قزاقستان: فعالیت مشترک در جهت ایجاد صلح و بشردوستانه» توسط آساتار حاجی در بیسالی مفتی عالی قزاقستان ارائه گردیده است. وی نشان داده است که سکولاریسم و اسلام می‌توانند موجب ایجاد صلح و دوستی بشریت شوند. وی به تاریخ ورود اسلام به قزاقستان و مذهب سنی به عنوان اکثریت مسلمانان قزاقستان اشاره نمود و علائم مشخصه مذهب سنی را به رسمیت شناختن حکومت‌های قانونی چهار خلیفه و عدم شبهه نسبت به صحت مجموعه شش حدیث دانست.

سومین مقاله در این بخش با موضوع «ابعاد فرهنگی - معنوی و سیاسی - اجتماعی همکاری مشترک ارزش‌های غیر دینی و دینی در جمهوری قزاقستان و موضوع سکولاریسم

و اسلام در منطقه آسیای مرکزی» از سوی آناتولی کاسیچنکو ارائه گردیده است. وی اطلاعاتی از نظرات برخی اشخاص ارائه نموده که نشان می‌دهند، جامعه قزاقستان آمادگی گفتگو میان اسلام و سکولاریسم را دارد و قزاقستان هرگونه اشکال افراط‌گرایی از جمله افراط‌گرایی دینی و همچنین شکل‌های افراطی به منظور حل مسایل روزمره اقتصادی - اجتماعی را نفی می‌کند. وی معتقد است که دین اسلام در منطقه آسیای مرکزی می‌بایست به فرآیند جهانی گفتگوی بین مذاهب، گفتگوی بین تمدن‌ها و گفتگوی بین فرهنگ‌ها که از یک سو اجازه می‌دهد ظرفیت‌های بشر دوستانه جهان آشکار شود و از سوی دیگر نمی‌گذارد گرایش‌های منفی رشد نمایند، بپیوندد و این را بهترین روش حفظ خصوصیت و ویژگی اسلام در آسیای مرکزی که عامل تثبیت‌کننده امنیت در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای است، می‌داند. چهارمین مقاله از سوی قادر مالیکوف با موضوع «حکومت غیر دینی و روند اسلامی - سیاسی در قرقیزستان: (منابع اسلامی) به عنوان عامل ساختار دولتی» ارائه شده است. وی تحلیلی از شکل مختلف اسلام در قرقیزستان ارائه می‌دهد. وی معتقد است که قدرت غیر دینی و مخالفین لیبرالی و دینی می‌توانند توسعه نهادهای دموکراسی در جمهوری قرقیزستان را ضمانت نمایند و هشدار می‌دهد که عدم ورود اسلام در فرآیند ایجاد دولت ملی، مسئله کمبود مشروعیت قدرت غیر دینی را بوجود می‌آورد و مانع از توسعه ثبات در قرقیزستان می‌شود. وی در این مقاله به مواردی همچون: ۱- گرایش‌های جنبش‌های سیاسی - اسلامی در خاورمیانه و خاور نزدیک ۲- ابعاد ایدئولوژیکی توسعه جامعه اسلامی در قرقیزستان: موانع داخلی و کلیشه‌ای ۳- وضعیت کنونی جنبش سیاسی - اسلامی در کشور ۴- مسایل میان سازمان‌های دینی و دولتی در قرقیزستان و یافتن اهرم‌هایی برای حل آنها: از رویارویی تا گفتگو ۵- سیاست دولت در روابط اسلامی: راه‌های هماهنگی روابط اسلامی - غیر دینی می‌پردازد.

پنجمین مقاله با موضوع «اسلام در قرقیزستان: شکل‌گیری و چشم‌انداز توسعه» توسط میرزا خلیل‌اف ارائه گردیده است. او احیای مجدد ارزش‌های دینی را به عنوان یکی از عوامل سیاست دولت نام می‌برد و معتقد است که باید نظریه توسعه اسلامی به منظور جلوگیری از رادیکال شدن آن ایجاد شود و در مجموع هم طرف اسلامی و هم طرف غیر دینی علاقمند به ثبات و حفظ تفاهم در جامعه هستند. وی همچنین به موضوع اسلام در قرقیزستان قبل از سال ۱۹۸۰، شکل‌گیری اسلام پس از سال ۱۹۸۰، تغییرات کیفی، کمی

و ساختاری در درون دین، شکل‌گیری نمونه‌ها و موضوعات دینی، فعالیت مبلغین دینی و فعالیت گروه‌های تندروی دینی در قرقیزستان اشاره می‌نماید.

ششمین مقاله توسط ابراهیم عثمان‌اف با موضوع «توسعه جامعه معاصر در تاجیکستان» ارائه شده است. وی به این موضوع که تاجیکستان قبل از ۱۹۹۲ بخشی از اتحادیه جماهیر شوروی بوده است اشاره دارد و می‌گوید برای شناخت ماهیت جامعه کنونی تاجیکستان استفاده از اصطلاحاتی همچون جامعه دموکراسی، جامعه شهروندی و دولت غیر دینی که در اسناد بکار برده می‌شوند کافی نمی‌باشد. وی همچنین به موضوع اسلام در جامعه کنونی تاجیکستان اشاره کرده است.

هفتمین مقاله با موضوع «مسایل اجرایی شکل‌گیری دولت غیر دینی در جامعه اسلامی: تجربه تاجیکستان» توسط عبدالله رهنما ارائه گردیده است. وی در این مقاله به موضوعاتی همچون: ۱- تکامل تدریجی موقعیت غیر دینی نسبت به دین ۲- تکامل تدریجی اسلام نسبت به موقعیت غیر دینی ۳- مسایل مربوط به مدل تاجیکستان در دولت غیر دینی اشاره کرده است. وی همچنین معتقد است که تجربه تاجیکستان دارای اهمیت زیادی از بعد نظری - علمی و اجرایی- سیاسی است و در شرایط کنونی می‌تواند در جهت حل اختلاف نظرات و مناقشات در دیگر کشورها بکار گرفته شود.

هشتمین مقاله با موضوع «برداشت‌های مختلف از دولت ملی توسط نخبگان تاجیکستان» از سوی پولات شازیموف ارائه شده است. وی در این مقاله به موضوعاتی همچون: ۱- آغاز روند ایجاد دولت در تاجیکستان: بحران شناخت هویت ۲- طرح‌ریزی برای شناسایی هویت تاجیکی ملی و رفع بحران سیاسی در تاجیکستان ۳- طراحی در جهت شناخت هویت ملی: مباحثه میان نخبگان ۴- شناخت دولت ملی توسط نخبگان دینی و غیر دینی تاجیکستان: مسایل و تهدیدات اشاره می‌نماید.

نهمین مقاله با موضوع «ارتباط سکولاریسم با فرهنگ اسلامی و آموزش در ازبکستان» توسط نورمحمدوا ارائه شده است. وی ضمن صحبت درباره روابط اسلامی - غیر دینی در ازبکستان، به طور ویژه بر معارف و آموزش تکیه می‌نماید و خاطر نشان می‌سازد: بسیاری از ارزش‌های اسلامی که با ارزش‌های دموکراسی قابل مقایسه می‌باشند با سکولاریسم مغایرتی ندارند. وی در این مقاله به ارتباط سکولاریسم با فرهنگ اسلامی و آموزش طی قرن‌های ۷ تا ۲۰ میلادی و نیز در زمان استقلال ازبکستان می‌پردازد.

آخرین مقاله از سوی دامیر محی‌الدین اف ارائه شده است. موضوع مقاله وی تحت عنوان «اسلام روسیه: گرایش‌های کلی و ویژگی منطقه نیژه گوردچینا» می‌باشد. وی در مقاله خود تجربه روسیه و اسلام روسی را در نمونه نیژه گوردچینا ارائه کرده است و اظهار می‌دارد که در روسیه بیشتر فرق اسلامی تحت تاثیر گرایش‌های روسی و حوادث و نیز آداب و رسوم ترک‌ها و همه مسلمانان قرار گرفته‌اند.

*امیر رضانی*